

پرسش ۸۵: معنای آیهی (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ....)

سؤال / ۸۵: ما معنى قوله تعالى: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) [263]؟

معنای این فرموده‌ی حق تعالی چیست؟ (تا آنگاه که تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند و تا آنگاه که از خدا آمرزش می‌طلبند نیز خدا عذابشان نخواهد کرد) [264].

الجواب: سنة الله سبحانه وتعالى أن تستبطن المعجزة المادية العذاب، فبمجرد التكذيب بها ينزل العذاب، بل إن سنة الله سبحانه وتعالى أن ينزل العذاب بالأمم التي تكذب الرسل، بعد أن يستفرغ الرسول كل وسائل التبليغ والهداية معهم، كما هو حال نوح وهود (عليه السلام)، فلم تكن معجزتهم إلا العذاب الذي أهلك الأمم التي كذبتهم. ولكن هناك سبيلان لدفع هذا العذاب:

پاسخ: سنت خداوند سبحان و متعال این است که معجزه‌ی مادی، عذاب را به‌مراه دارد و به مجرد تکذیب آن، عذاب نازل می‌گردد. بلکه سنت خداوند سبحان و متعال، نازل شدن عذاب بر امت‌هایی است که فرستادگان را دروغ می‌شمارند، پس از اینکه فرستاده تمام شیوه‌های تبلیغ و هدایت را برای آنها به کار می‌گیرد؛ همانند وضعیت نوح و هود. معجزه‌ی آنها چیزی نبود جز عذابی که باعث نابودی امت‌هایی شد که آنها را تکذیب نمودند. برای دفع این عذاب دو راه وجود دارد:

الأول: وهو دعاء الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) وطلبه من الله سبحانه وتعالى أن يرفع العذاب عن الأمة التي كُلف بتبليغها وهدايتها، وهذا الأمر يكلف الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) مشقة وعناء عظيمًا؛ لأنه يعني تحمل المزيد من التكذيب والسخرية والإمتهان التي يلاقيها عادة الرسول من أمته المكذبة له، وهذا الدعاء الذي يرفع

العذاب عن الأمة المتمرده لم يحصل إلا من رسول الله محمد (صلى الله عليه و آله و سلم)،  
(وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ)، أي وأنت تدعو لرفع العذاب عنهم.

نخست: دعای فرستاده و درخواست او از خداوند سبحان و متعال مبنی بر برداشتن عذاب از امتی که به تبلیغ و هدایت آن مکلف شده است. این درخواست، رنج و مشقت بسیاری بر فرستاده تحمیل می کند؛ چرا که به معنای تحمل کردن مواردی چون تکذیب، تمسخر و خوارشماری است که معمولاً فرستاده از امتی که او را تکذیب می کند، می بیند؛ و چنین دعایی که عذاب را از امت سرکش برمی دارد، فقط برای پیامبر خدا حضرت محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) اتفاق افتاده است: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ) (تا آنگاه که تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند)؛ یعنی: در حالی که تو برای برداشته شدن عذاب از امت، برای شان دعا می کنی.

أما الأمر الثاني الذي يرفع العذاب فهو: التوبة والاستغفار من قبل الأمة، وهذا الأمر أيضاً لم يحصل إلا من قوم يونس (عليه السلام) حيث تابوا واستغفروا الله بعد أن أظلمهم العذاب، (فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ) [265]، ورفع عنهم العذاب بعد أن ضجوا بالتوبة والاستغفار إلى الله سبحانه وتعالى: (وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) [266].

اما دوم: که باعث برداشته شدن عذاب می شود، توبه و استغفار از جانب امت است. چنین چیزی نیز فقط برای قوم یونس (عليه السلام) حاصل شد، وقتی که وقتی عذاب بر آنها سایه افکند، توبه کردند و از خداوند طلب آمرزش نمودند: (چرا مردم هیچ قریه ای به هنگامی که ایمانشان سودشان می داد، ایمان نیاوردند، مگر قوم یونس، که چون ایمان آوردند عذاب ذلت بار در دنیا را از آنان برداشتیم و تا هنگامی که اجلشان فرا رسید از زندگی برخوردارشان نمودیم) [267]؛ و پس از آنکه ضجه کنان، توبه کردند و از خداوند سبحان و متعال، آمرزش طلبیدند، از آنها عذاب برداشته شد: (و تا آنگاه که از خدا آمرزش می طلبند نیز خدا عذابشان نخواهد کرد). [268]



[\[263\]](#) - الأنفال : 33.

[\[264\]](#) - انفال : 33.

[\[265\]](#) - يونس : 98.

[\[266\]](#) - الأنفال : 33.

[\[267\]](#) - يونس : 98.

[\[268\]](#) - انفال : 33.